

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد محمد نسیم «اسیر»
کابل عزیز، اسد ۱۳۳۰ ش

گوش کر

از خاطرات گذشته

به دل تا جلوه گر آن ماه نو شد
سر زلفش بدست غیر دیدم
ز خاک شهر کهنه چون برآیم
من از حسرت بخود صد پیچ خوردم
ز من گوئید آن کاکه جوان را
نداری پول یک پوچه در جیب
جهان بیدار گشت و مردم ما
به چوکی تا مقرر گشت مامور
که یک دم خانه ویرانه او
ندادم یک دوسه مهمانی اش من
کجا قصاب از قیمت فروشی
فضای کابل از بس پر ز خاک است
به خال هندویش ، جانم گرو شد
جهان در چشم من یک باره شو شد
ترا منزل، بتا در شهر نو شد
سرگیسوی تو تا چپه تو شد
کجا کرتی و دستارت گرو شد
مگر صرف قمار چکه پو شد
یکی بعد دگر افتاده خو شد
پی رشوت چنان در تگ و دو شد
مجلل خانه ای در شهر نو شد
مدیر شعبه در جانم ببو شد
ز پا چون گوسپندی لکه تو شد
به چشمم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفتن بسیار بگذر

که دیدم گوش مردم ناشنو شد